درس‌نامه‌ای از تاریخ خراسان

گفت‌وگو با محمود فاضلی بیرجندی، نویسنده و پژوهشگر تاریخ معاصر

گفت‌وگو

رادمنش| در تاریخ و جغرافیای ایران، خراسان همیشه از خطه‌های مهم و استراتژیک بوده است. این ولایت در برهه‌هایی پایتخت قدرت و فرهنگ ایران نیز بوده است. با ظهور سلسله قاجار، پس از کش‌وقوس‌های فراوان و تارومار کردن بازماندگان افشاریه، فتحعلی‌شاه تهران را پایتخت اعلام کرد و خراسان شد یکی از استان‌های کشور. تازه‌ترین اثر محمود فاضلی بیرجندی، پژوهشگر و مترجم، «تاریخچه‌ای از فرمانروایان خراسان، از آغاز قاجار تا پایان پهلوی» است. او در این کتاب ضمن معرفی این ۱۳۷ والی به فعالیت‌های آنان و آنچه پرداخته است که در مواجهه با رویدادهای مهمی چون بلایای طبیعی یا بیماری‌های همه‌گیر کرده‌اند.

فاضلی در بخشی از گفت‌وگویش با ما به ضعف والیان خراسان در دوره قاجار اشاره می‌کند و علت آن را وابستگی نَسَبی و پشت‌گرمی به قدرت مرکزی می‌داند. نبود دولت مدرن به معنای درست آن نیز از آفاتی بوده که در دوره پهلوی باعث می‌شده است کارهای والیان با رفتنشان نیمه‌تمام بماند.

از این مترجم و پژوهشگر پیش از این تألیفاتی چون «از بازرگان تا روحانی: کابینه‌ها در جمهوری اسلامی ایران» و ترجمه‌هایی مانند «پارت‌ها و روزگارشان» منتشر شده است.

● ایده تألیف «تاریخچه‌ای از فرمانروایان خراسان...» چگونه شکل گرفت و چه فرایندی را برای جمع‌آوری اطلاعات این کتاب گذراندید؟

حدود سال ۸۴ طرحی تحقیقاتی دست گرفتم که سال ۸۸ با نام «نمایندگان بیرجند در مجلس شورای ملی» منتشر شد. در ضمنِ آن کار جرقه‌های چندکار دیگر بهِ ذهنم خورد. وقتی می‌خواهی تاریخ سیاسی محلی را بررسی کنی، نیاز است بدانی والیان محل در هر دوره چه کسانی بوده‌اند، چه کسی مدیر سیاسی منطقه بوده و تحت چه آرا و افکاری این ولایت اداره می‌شده است. این بود که از همان زمان شروع کردم به جمع‌آوری فهرستی از والیان خراسان. این کار را خیلی پردامنه شروع کردم. یعنی تصمیم گرفتم از عصر مادها و هخامنشیان شروع کنم و ببینم تا عصر حاضر، خراسان چه احوالی و چه فرمانروایانی داشته است. یادداشت‌های زیادی هم گردآوری کردم. تااینکه به کتابی برخورد کردم با نام «وُلاه خراسان». وُلاه جمع والیان است. مؤلف از صدر اسلام یعنی از سال صفر قمری تا سال ۳۵۰ قمری، والیان خراسان را معرفی کرده است. درباره پیش از اسلام هم یادداشت‌هایی داشتم که هنوز هم دارم. فکر کردم چون منابع باستان ما خیلی ناقص و پراکنده است، بهتر آن است که کار را از سال ۳۵۰ قمری بگیرم و بیایم تا سال ۱۳۵۷، یعنی دوره‌ای هزارساله را کار کنم. یادداشت‌برداری‌ها را هم ادامه دادم. اما کم‌کم متوجه شدم برای کاری پژوهشی با این گستردگی، مؤسسه‌ای باید متولی باشد. کاری نیست که از دست یک تن به‌تنهایی ساخته باشد. به این نتیجه رسیدم که دامنه کار را جمع‌وجور کنم و حدود آن را کمتر. به همین خاطر تصمیم گرفتم از اول قاجار شروع کنم تا پایان پهلوی. در این دوره و هر چه به جلو می‌آییم نشریات و منابع هم بیشتر می‌شود و با کمبود و حتی فقر منابع دوره‌های پیشین روبه‌رو نیستیم. لازم است بگویم که در کتاب «تاریخچه‌ای از فرمانروایان خراسان...» فصلی را اختصاص داده‌ام به مرور پیشینه این کار و همه کارهایی را که قبلا دراین‌باره شده است معرفی کرده‌ام. در خراسان فقط یک نمونه کارشده که یکی از کارکنان سابق استانداری خراسان به نام آقای علی میرنیا کتابی دوجلدی نوشته‌اند که ضمن بررسی تاریخ خراسان اسامی استانداران را هم -عموما با استناد به خاطرات خودشان- ثبت کرده‌اند. باید از ایشان یادی کنیم به نیکی. جز آن، کتابی در این موضوع نیست.

● در غوری که در تاریخ خراسان و والیان این خطه کردید، نقش خراسان را در ایران چطور دیدید؟ و آیا سیری در تغییر جایگاه سیاسی و اجتماعی خراسان با تغییر پایتخت مشاهده می‌شود؟

دقیقا تغییر پایگاه قدرت در همین دوره مورد نظر از مشهد به تهران منتقل می‌شود، چون قبل از آن پایگاه قدرت کل ایران شهر مشهد بوده، که پایتخت افشاریان بوده است. البته اوضاع کشوری در دوره پس از صفویه خیلی آشفته است و دکتر زرین‌کوب در کتاب «روزگاران» آن را «دوره‌وحشت» نامیده‌اند. حتی در اوایل قاجار هم وضع همین بوده است. آغامحمدخان فقط یک بار می‌آید مشهد و نماینده خودش را می‌گذارد و بعدِ رفتنش دوباره بلافاصله افشاریان خراسان را می‌گیرند. نادر میرزای افشار والی خراسان می‌شود و داعیه حکومت افشار را پی می‌گیرد. اوضاع پربلوایی است تا بالاخره از زمان فتحعلی شاه که تهران پایتخت ایران می‌شود، خراسان دوباره می‌شود یک استان از کشور.

● چند و چون انتخاب والیان از طرف پادشاه در دوره قاجار و پهلوی چطور بوده است؟

جنس قدرت، در خراسان و در کل کشور در دوره قاجاریه، قدرت خاندانی است و به تبار و نَسَب بستگی دارد. یعنی جز ۲ یا ۳ نفر از جمع ۸۶ والی خراسان در دوره قاجار، بقیه تابع بستگی خونی و نَسَبی بوده‌اند و بیشتر والیان قاجاری خراسان شاهزادگان هستند. شخصی مانند میرزا عبدالوهاب خان شیرازی از بیرون این حلقه خویشاوندی می‌آید که آدم قابلی است؛ صاحب بینش و اهل قلم و آشنا به مسائل منطقه‌ای و حتی وارد به امور دنیاست. عموم والیان دوره قاجار ازآنجاکه شاهزاده بوده‌اند و پشتشان به درون قدرت و مرکز حاکمیت گرم بوده است، دلیلی نمی‌دیدند که چندان تکاپویی برای پیشبرد امور نشان دهند. اینکه والی بوده و اینجا مستقر شده است و اسمش را داشته و جیره و مواجب و امتیازهایی می‌گرفته برایش بس بوده است. تصور کنید کسی که در محیط هر یک از دربارهای پر از ناز و نعمت قاجاریان بار آمده اصلا چه فهم و معرفتی حتی از دنیای پیرامونش داشته است تا چه برسد که معرفتی و نسبتی با امور اجرایی و حکومتی داشته باشد. البته نمی‌خواهم بد بگویم و همه را به یک چوب برانم. بعضی از شاهان یا شاهزادگان بوده‌اند که اهل شعر و معرفت و فلسفه هم بوده‌اند. اما منظورم این است که بیشینه آنان که حکومت را به دست می‌آوردند از جمله عناصری بودند که اهلیت اداره منصبی چون اداره ولایت خراسان از رفتار و منش ایشان دیده نمی‌شد. نمونه‌ای از کاهلی که در نتیجه وابستگی به قدرت شکل می‌گیرد این است که وقتی در قوچان زلزله‌ای اتفاق می‌افتد و مردم تلفات زیادی می‌دهند، والی وقت حتی بلند نمی‌شود برای سرکشی منطقه تا قوچان برود. اما یکی از ممالک همسایه که خبر زلزله را می‌شنود از دولت ایران درخواست می‌کند که کمک مالی و کارشناسی بفرستد که البته دولت ایران قبول نمی‌کند. اینجا لازم است بگویم استان خراسان در این دوره صدونودودوساله که من مورد بررسی قرار دادم، بسیار آسیب‌ها از دست روس‌ها دیده است. روس‌ها همه‌گونه شرارتی در این ایالت کرده اند از تحریک پنهانی در محل بر ضد دولت مرکزی و ایجاد بلوا و فتنه تا حتی کمک به تجزیه خراسان از پیکره کشور ایران که در کتاب به گوشه‌هایی از آن پرداخته‌ام. اما چرایی اینکه حاکمان در ایالت و در مرکز تا حدی بی‌قید و بی‌اعتنا به امور مردم و مملکت بودند که گاه باورش سخت است، نیاز به بررسی مستقل در ذات و سرشت حکومتگری قاجارها دارد و از حوصله کتاب من بیرون بود. البته آدم‌های بزرگ و نامداری مثل میرزاحسین خان سپهسالار اینجا والی بوده‌اند که البته دوره حکمرانی او ۲ ماه بیشتر نشده است. ما در دوره قاجار دولت نداشتیم، دولت یک پدیده مدرن است. حکمرانی بوده است و این یعنی حکم می‌کنم که این کار بشود یا نشود. به خصوص می‌بینیم که مهدی قلی‌خان هدایت در «روضه‌الصفا» نوشته است که ایران دوره قاجاری، ایران دودمان قاجار است. همه‌جا شاهزادگان و اولاد ذکور آن خاندان حاکم هستند. مهدی قلی‌خان هدایت، ایران دوره قاجار را امت واحده قاجاری وصف کرده است. در آن دوران فقط دوسه نفر توانسته‌اند از بیرون وارد حلقه حاکمیتی قاجارها شوند. والی تحت این تعریف و ضابطه قبیله‌ای به خراسان می‌آمده است، مانند دیگر نقاط کشور. اما در دوره پهلوی روند عوض می‌شود، یعنی بستگی خونی دیگر در میان نیست و افراد مختلفی از هر جای ایران و با هر سابقه‌ای پست و منصب دولتی می‌گرفتند. فقط باید به تأیید دستگاه مرکزی می‌رسیدند و البته با والیان عصر قاجار نیز بسیار تفاوت داشتند.

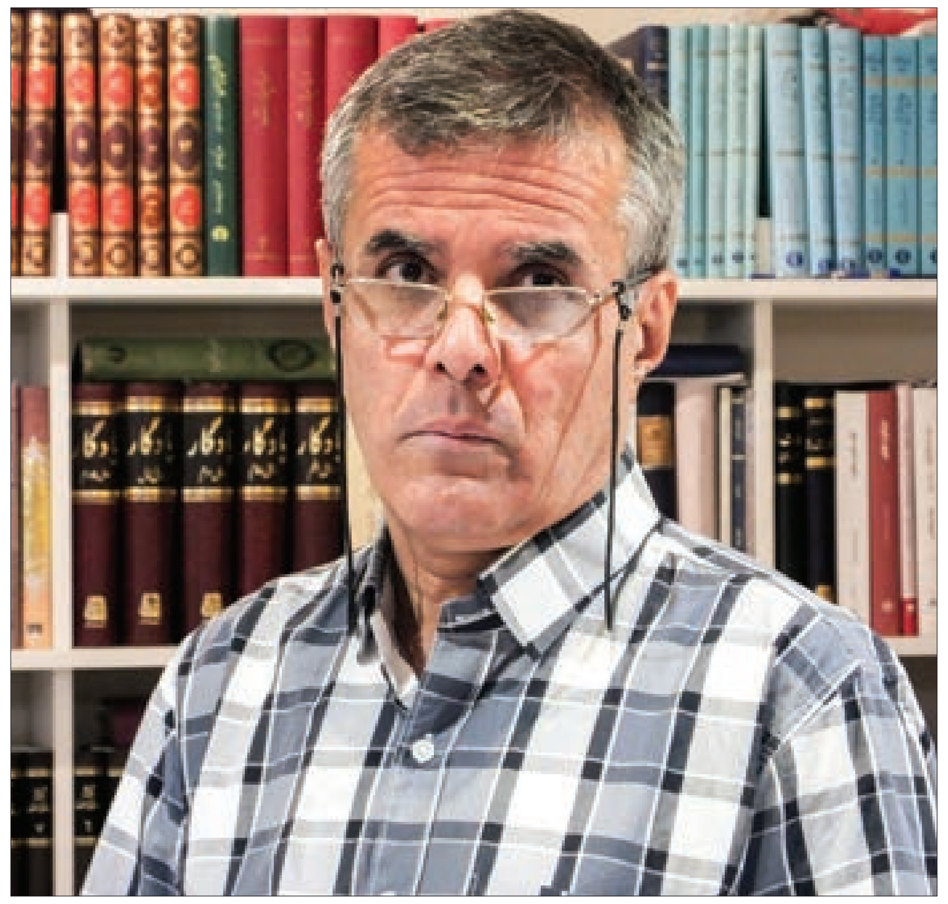

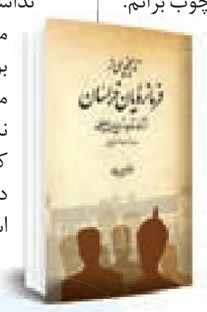

جامعه هدف کتاب از حکمران و والی استان تا خواننده کنجکاو و دوستدار تاریخ می‌تواند باشد

● این تغییر دیدگاه در نصب و عزل والیان در وضعیت زندگی مردم ملموس بوده است؟

قطعا ملموس بوده است، چون هریک از این‌ها که می‌آمدند برنامه و آثار متفاوتی داشته‌اند. اما نکته مهمی که در دوره پهلوی هم کاملا پیداست این است که دولت به مفهوم مدرنش هنوز در ایران مستقر نشده است. چون اگر دولت مستقر باشد، کارها باید تابع نظم و روالی مشخص باشد و تحت همان روال ادامه پیدا کند. اما می‌بینیم که با رفتن هر کس کارها پایان پیدا می‌کند و نفر بعدی که می‌آید کارهای دیگری را شروع می‌کند. نمونه‌اش عباسقلی گلشاییان است که در خاطراتش نوشته است هر جا مسئولیتی داشتم، یکی از مایه‌های افسردگی‌ام این شد که نتوانستم کاری که می‌خواستم به ثمر برسانم، چون تا می‌خواستم کار را پیش ببرم دوره تصدی من تمام می‌شد و بعد از من کس دیگری می‌آمد و راه و رسم دیگری پیش می‌گرفت. ایشان یک رجل برجسته است و این استنباط آقای گلشاییان نشان می‌دهد در ایران دوره پهلوی هم کارها تابع روال و میل و سلیقه شخصی بوده و استانداری که سر کار بوده، تابع نظم و برنامه دولتی نبوده است.

● این اثر می‌تواند به پژوهشگران کمک زیادی بکند، خودتان جامعه هدف کتاب را قشر خاصی می‌دانید؟

نه، من کتاب را طوری تنظیم کرده‌ام که برای کسانی که در حاکمیت خراسان یا حاکمیت هر جای دیگری هستند، درس‌نامه حکومتی باشد. مثلا وقتی زلزله‌ای می‌شود، نوع عملکرد و رویه استاندار وقت خراسان می‌تواند آموزنده باشد برای استانداری که در ولایتی با زلزله‌ای روبه‌رو می‌شود. نوع رویه‌ای که استانداری چون صدرالاشراف برای مقابله با امراض مسری پیش گرفته است می‌تواند درسی باشد برای مسئولان امروز که با چنین مشکلی روبه‌رو می‌شوند. به طور کلی مشکلاتی که برای بشر پیش می‌آید تکرارشونده است، وقتی ببینید گذشتگان چه کرده‌اند، شما درس‌نامه‌ای پیش روی خود دارید و بر تجربه‌تان افزوده می‌شود. جامعه هدف کتاب از حکمران و والی استان تا خواننده کنجکاو و دوستدار تاریخ می‌تواند باشد. جامعه هدفش می‌تواند تمام علاقه‌مندان به تاریخ ایران باشد.

پایان یک زندگی، بهای قضاوت نادرست

نگاهی به نمایشنامه «ایوانف» نوشته «آنتوان چخوف»

کتابخوان

حانیه نصیری| «کرم شب‌تاب فقط به این خاطر می درخشد که پرنده‌ها توی شب آسان‌تر بتوانند پیدایش کنند، و آدم های خوب هم تنها به خاطر آن می‌درخشند که وراجی و شایعه رویشان فرود بیاید.» یکی از این آدم‌های خوب «ایوانف»، قهرمان نخستین نمایشنامه بلند آنتوان چخوف، نویسنده واقع گرا و بزرگ روسی، است که کمتر کتاب‌خوانی پیدا می‌شود که با او و داستان های کوتاه و نمایشنامه هایش همچون «دشمنان»، «بانو با سگ ملوس»، «باغ آلبالو»، «مرغ دریایی»، «سه خواهر» و «ایوانف» آشنا نباشد.

نیکلای الکسیویچ ایوانف، شخصیت اصلی این نمایشنامه، فردی خوش‌قلب و مهربان است اما به دلیل کج فهمی اطرافیانش که شناخت درستی از او ندارند مورد افترا و اتهام حتی از سوی نزدیک ترین کسانش قرار می گیرد. آن‌ها با نادانی شایعاتی را علیه او می پراکنند و مردمی دهن بین این شایعات را بدون تحقیق باور می کنند.

ایوانف به شدت از اطرافیانش ناامید است و آن ها را ملال آور می داند. او از همسرش -که بسیار او را دوست دارد و برای ازدواج با ایوانف از پدر و مادر خود دست کشیده و حتی دینش را از آیین یهود به مسیحیت تغییر داده و اکنون درگیر بیماری سل شده‌است- گریزان است و برای رهایی از فضای خانه‌اش به منزل دیوان‌سالاری پول پرست و نادان به نام لیبدف می‌رود. در این مهمانی های پر از حرف های پوچ و بیهوده که نماد جامعه روشنفکر آن زمان روسیه است، میان او و ساشا، دختر لیبدف، ارتباطی شکل می گیرد که اگرچه دختر جوان به دیده ترحم به زندگی دردناک ایوانف می‌نگرد، کم کم جذب و عاشق او می شود. ساشا می خواهد ناجی مردش باشد و او را از چنین وضعیتی برهاند، اما در مراسم عروسی، ایوانف که از حرف و حدیث های جماعت دوروبر درباره خودش به تنگ آمده است، تصمیم می گیرد به زندگی‌اش پایان دهد، پایانی بهت‌آور برای آن جماعت بدگو و البته خواننده.

این نمایشنامه جامعه‌ای پر از مردم دهن‌بین یا شاید ظاهربین را به بهترین شکل نشان می‌دهد و پیامد قضاوت های بیجا را که در جامعه بسیار رواج یافته است و اگر انسان مراقب نباشد چه‌بسا گریبانش را بگیرد نمایان می‌سازد. چخوف در این کتاب به خواننده یادآوری می کند که شناخت انسان‌ها آن‌قدرها هم ساده نیست: «... خیال می کنی شناختن من آسان ترین کار توی دنیاست. نه؟... انسان این قدر ساده و مختصر است؟... نه، ما همه بیش از آن پیچ و مهره در وجودمان داریم که با اولین اثر یا علائم ظاهری رویمان حکم بشود. من تو را نمی‌شناسم، تو مرا نمی‌شناسی و ما خودمان را هم نمی‌شناسیم...» چخوف تأکید می کند که مراقب قضاوت‌هایمان باشیم، توصیه‌ای که بزرگان فرهنگ و ادب بارها خاطرنشان کرده‌اند، چنان که مثلا اگزوپری در شرح سفر «شازده کوچولو» به سیاره دوم، محاکمه خود را از محاکمه دیگران دشوارتر می‌خواند و قاضی راستین را کسی برمی‌شمارد که بتواند درباره خود به‌درستی قضاوت کند.

در نمایشنامه «ایوانف» نیز مانند دیگر نوشته‌های چخوف یأس و بدبینی و طنز تلخ با هم آمیخته شده است و شخصیت اصلی فردی شرافتمند و در عین حال متزلزل و ناتوان است و از همین روست که رنج زیادی متحمل می‌شود؛ گویا نویسنده بزرگ روس بخشی از رسالت خود در عرصه ادبیات را به تصویر کشیدن این انسان های رنجور دانسته است که نمی توانند از حق و شرافت خود دفاع کنند و مورد ستم قرار می گیرند و همیشه دردمند هستند.

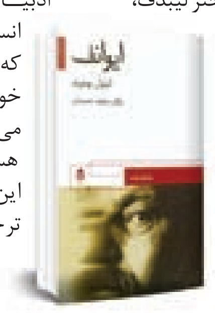

این کتاب را نشر قطره با ترجمه دکتر سعید حمیدیان در ۱۳۶ صفحه به چاپ رسانیده است.

رونمایی از ترجمه تازه حافظ در آلمان

در دویستمین سالگرد انتشار دیوان غربی شرقی گوته رخ داد

از ادبیات کلاسیک و کهن ایران همچنان در سطح جهان استقبال می شود. هنوز هم شاعرانی چون فردوسی، حافظ، سعدی و مولانا در دنیا مورد توجه قرار می گیرند و آفریده‌های ادبی‌شان به زبان های گوناگون برگردانده می شود. در تازه ترین رویداد از این دست، یک ایرانی ترجمه جدیدی از دیوان خواجه حافظ شیرازی به زبان آلمانی به دست داده است. این ترجمه به مناسبت دویستمین سالگرد انتشار «دیوان غربی-شرقی» اثر شاعر و اندیشمند بزرگ آلمانی، یوهان ولفگانگ فون گوته، در نمایشگاه کتاب فرانکفورت رونمایی شد. روابط عمومی مؤسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران خبری در این باره منتشر کرده است که بر پایه آن، توماس اوگر، استاد اسبق ایران‌شناسی دانشگاه برلین، از تأثیر عمیق حافظ بر آثار گوته سخن رانده است. او در آیین رونمایی از ترجمه دیوان حافظ به آلمانی، ضمن خواندن اشعاری از دیوان گوته، به ترجمه بخشی از سروده‌های حافظ شیرازی به قلم شادروان پروفسور گیزلا کرافت، اسلام شناس آلمانی، اشاره کرد و بیت هایی از این اشعار را خواند. توماس اوگر همچنین تأثیر فرهنگی شاعران بزرگ ایران بر جوامع بین‌المللی را شایان توجه دانست و از سروده معروف سعدی یاد کرد که امروز متن آن در ساختمان سازمان ملل دیده می‌شود: بنی‌آدم اعضای یکدیگرند.... دیوان حافظ را مجتبی حسینی به زبان آلمانی برگردانده و انتشارات شمع و مه این ترجمه را چاپ کرده است. این کتاب با حمایت دبیرخانه طرح گرنت (طرح حمایت از ترجمه و انتشار آثار ایرانی در بازارهای جهانی) منتشر شده است. ترجمه یادشده بر مبنای تصحیح بهاءالدین خرمشاهی از دیوان حافظ، چاپ انتشارات ناهید، صورت گرفته است.

اخلاق احمد انصاری (آهن)، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه جواهر لعل‌نهرو: **خروج زبان فارسی از هند توطئه بزرگ انگلیسی‌ها بود. آن‌ها متوجه شدند زبان فارسی، قرن‌ها در هند بوده است. مباحث علمی و فرهنگ و تاریخی به زبان فارسی و در ادبیات فارسی حفظ شده بود. می‌خواستند که این ارتباط با نسل‌های بعد قطع شود.**

آگهی مناقصه
موضوع: مناقصه احداث یک دستگاه پل عابر پیاده بزرگراه بابانظر
سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد مقدس در نظر دارد اجرای عملیات احداث یک دستگاه پل عابر پیاده واقع در بزرگراه بابانظر ۷۲ به متراژ ۱۱۰ متر طول شامل خرید، نصب و راه اندازی، خدمات فنی و پشتیبانی را به شرکت های واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه شرکتهای دارای رتبه ۵ ابنیه و ساختمان یا ۵ تأسیسات و تجهیزات و ثبت نام شده در سامانه تأمین کنندگان شهرداری مشهد دعوت می گردد در صورت تمایل جهت دریافت اسناد مناقصه به نشانی مشهد حدفاصل بلوار وکیل آباد ۵۵ و ۵۷ پلاک ۱۱۶۵ طبقه چهارم اداره امور قراردادها و پیمانهای سازمان و یا به سامانه مناقصات و مزایدات شهرداری مشهد مراجعه نمایند. آخرین مهلت دریافت و ارائه پیشنهاد اسناد مناقصه: ساعت ۱۴:۱۵ روز پنج شنبه ۱۳۹۸/۰۸/۰۹ . مبلغ برآورد مناقصه : ۱۵.۲۱۷.۴۹۰.۷۰۲ ریال. مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۷۶۱.۰۰۰.۰۰۰ ریال. متقاضیان موظف به ارائه تأییدیه ظرفیت آزاد از مراجع ذی صلاح می باشند. ضمنا ظرفیت آزاد تا روز ابلاغ قرارداد می بایست تداوم داشته باشد. جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن های۶۶- ۶۵ - ۳۱۲۹۸۰۴۱ تماس حاصل نمایند.
(سازمان در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار می باشد)
(هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می باشد)
جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس سایت www.samesh.mashhad.ir مراجعه نمایید
روابط عمومی سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد

آگهی مناقصه
موضوع: مناقصه احداث دو دستگاه آسانسور جهت پل عابر پیاده بزرگراه بابانظر
سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد مقدس در نظر دارد اجرای عملیات احداث دو دستگاه آسانسور جهت پل عابر پیاده واقع در بزرگراه بابانظر ۷۲ شامل خرید، نصب و راه اندازی، خدمات فنی و پشتیبانی، تعمیرات و نگهداری، نگهبانی و نظافت را به شرکتهای واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه شرکتهای دارای گواهینامه مونتاژ آسانسور و پله برقی از وزارت صنعت، معدن و تجارت و ثبت نام شده در سامانه تأمین کنندگان شهرداری مشهد دعوت می گردد در صورت تمایل جهت دریافت اسناد مناقصه به نشانی مشهد حدفاصل بلوار وکیل آباد ۵۵ و ۵۷ پلاک ۱۱۶۵ طبقه چهارم اداره امور قراردادها و پیمانهای سازمان و یا به سامانه مناقصات و مزایدات شهرداری مشهد مراجعه نمایند. آخرین مهلت دریافت و ارائه پیشنهاد اسناد مناقصه: ساعت ۱۴:۱۵ روز پنج شنبه ۱۳۹۸/۰۸/۰۹ . مبلغ برآورد مناقصه : ۸.۲۶۱.۶۰۲.۲۵۴ ریال. مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۴۱۴.۰۰۰.۰۰۰ ریال. متقاضیان موظف به ارائه تأییدیه ظرفیت آزاد از مراجع ذی صلاح می باشند. ضمنا ظرفیت آزاد تا روز ابلاغ قرارداد می بایست تداوم داشته باشد. جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن های۶۶- ۶۵ - ۳۱۲۹۸۰۴۱ تماس حاصل نمایند.
(سازمان در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار می باشد)
(هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می باشد)
جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس سایت www.samesh.mashhad.ir مراجعه نمایید
روابط عمومی سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد

گذشته عکاسی مشهد یک گنجینه است

گفت‌وگو با یلدا معیری، عکاس مطرح کشوری

عکس: احمد حسنی| شهرآرا

زندگی با عکاسی

غلامرضا زوزنی| **یلدا معیری، عکاس عکس معروفی است که حتی رئیس‌جمهور آمریکا نتوانست از آن، بهره‌برداری شخصی نکند. ترامپ با انتشار عکس معیری سعی در تبلیغات علیه نظام جمهوری اسلامی ایران داشت که با واکنش عکاس مواجه شد. معیری در متنی که به این منظور منتشر کرده نوشته است: «این عکس از مردم ایران و برای مردم ایران گرفته شده است و نباید توسط هیچ کس دیگری مورد سوءاستفاده قرار بگیرد.». با این همه، او عکاسی نیست که چندصباحی پا به عرصه عکس گذاشته باشد و سالیان سال در معرکه‌های بحرانی دنیا حاضر شده و عکاسی کرده است. خودش نام این ویژگی‌اش را سماجت می‌گذارد؛ سماجتی که پای او را به اغلب جنگ‌ها و مناطق بحران‌زده دنیا مانند عراق، افغانستان، پاکستان، اندونزی و سومالی باز کرده است. معیری آدمی نیست که بتواند دربرابر اتفاقات اطرافش بی‌توجه باشد و همیشه سعی کرده است در همه آن مکان‌هایی که جنگ بوده یا بلایی طبیعی رخ داده است، حضور یابد. او توانسته است نظر صاحب‌نظران مطرح جهان را به عکس‌های خود جلب کند و جوایز بی‌شمار را برای آن‌ها به‌دست بیاورد. معیری برای همان عکس اتفاقات ۹۶، جایزه برترین عکس مطبوعاتی ایران در سال ۹۷ را به‌دست آورد. این عکاس زن، عکاسی را به‌صورت تجربی فراگرفته است و بعد از کسب تجربه‌های فراوان در عکاسی بحران، تجربیاتش را با علاقه‌مندان به عکاسی به اشتراک می‌گذارد. چندی پیش که برای تبادل تجربه با عکاسان مشهدی به دعوت موسسه شهرآرا به مشهد آمده بود، با او به گفت‌وگو نشستیم.**

● چند روزی با عکاسان مشهدی از نزدیک نشست‌وبرخاست کردید، آن‌ها را چطور دیدید؟

همیشه، همه‌جا گفته‌ام مشهد از نظر عکاسی فوق‌العاده است. در ایران سه نقطه اصلی برای عکاسی وجود دارد که مشهد یکی از آن‌هاست که درکنار تهران و تبریز قرار گرفته است. مشخصه مشهد، وجود مضجع شریف امام‌رضا(ع) است و همچنین در فضاهای هنری، مشهد را با عکاسی می‌شناسند. عکاسان تهرانی هم مشتاقند که با عکاسان مشهدی معاشرت کنند.

● این خودباوری‌ای را که می‌گویید، در فضای عکاسی مشهد هم دیده‌اید؟

بله. عقبه خوبی در عکاسی مشهد وجود دارد. افرادی مانند آقای کیارنگ علایی خیلی در این حوزه زحمت کشیدند. پای عکاس‌ها را به اینجا باز کردند و اکنون ارتباطات خوبی با سایر عکاسان کشور برقرار کرده‌اند و درمیان همین رفت‌وآمدها، عکاسان مشهدی هم تجربه کسب کرده‌اند و علم عکاسی در مشهد و درمیان عکاسان این شهر ارتقا یافته است.

● باتوجه‌به این صحبت‌هایی که مطرح شد، به‌نظرتان درخشش عکاسی مشهد می‌تواند همچنان ادامه داشته‌باشد؟

گذشته عکاسی مشهد یک گنجینه است. باید قدر آن را بدانید و از آن مراقبت کنید. مشهد عکاسانی دارد که همواره در خدمت جامعه‌شان هستند و هر هنرمند عکاسی در هر سطحی با آن‌ها به‌راحتی می‌تواند ارتباط برقرار کند، نعمتند و باید ازشان مراقبت شود. هر عکاسی را که در این شهر دارد کار می‌کند، نباید دلزده کرد. اگر حواستان و حواسمان به آن‌ها باشد، این گذشته درخشان در آینده هم تکرار خواهد شد.

● جوان‌ترها که عکاسی می‌کنند، چقدر باید زحمت بکشند تا به موفقیت در عکاسی برسند؟ از آن طرف وقتی به موفقیت‌هایی دست یافتند، چطور می‌توانند خودشان را در عکاسی نگه‌دارند و در بن‌بست موفقیتی که کسب کرده‌اند، گیر نیفتند و خودشان را از آن رها کنند و به مسیرشان ادامه دهند؟

درباره خودم می‌گویم؛ قبل از اینکه آن عکسی را که خیلی هم سروصدا کرد بگیرم، تقریبا پنج سال کار نمی‌کردم. در آن پنج سال کلا به یک آدم دیگری تبدیل شدم. تمام زندگی‌ام را در آن پنج سال عوض کردم. در آن مدت، آن‌قدر حالم بد بود که هر که مرا در خیابان می‌دید، به حالم گریه می‌کرد. در آن پنج سال همه درباره من می‌گفتند که «تمام شد.» می‌گفتند معیری دیگر هیچ‌کاری نمی‌تواند بکند. بعد از آن دوره تحول، رفتم در یک روزنامه به‌عنوان عکاس فعالیتم را از سر گرفتم. دبیر سرویس عکس آن روزنامه از اینکه من عکاسم و او دبیر است، خیلی ناراحت بود و احساس می‌کرد باید جایمان باهم عوض شود. من به او گفتم تو کار خودت را انجام بده، من فقط می‌خواهم عکس بگیرم. این شد که آن عکس معروف را گرفتم. در آن لحظه‌ای که آن عکس را ثبت کردم، چند عکاس دیگر هم آنجا بودند که همه رفتند سراغ یک سوژه دیگر و فقط من آنجا ماندم و آن لحظه، ۱۵،۱۴سال تجربه من در مناطق جنگی به یاری‌ام آمد و توانستم آن عکس را ثبت کنم، پس من تمام نشده بودم و خودم را باور کرده بودم. واقعیتش این است که هیچ آدمی در دنیا با یک عکس به جایی نمی‌رسد. من اگر هنوز کار دارم و آدم‌ها به من محبت دارند، به‌خاطر تداوم در کار عکاسی است. به‌دلیل این است که ده‌ها بار تا مرز نابودی کامل رفتم و دوباره بلند شدم و کارم را ازسر گرفتم. قبلا به من می‌گفتند تو اصلا عکاسی نداری و الان کمی عقب نشسته‌اند و می‌گویند تو همین یک عکس را داری، ولی این‌طور نیست. اگر افراد بخواهند خودشان را در موفقیت‌های داشته و نداشته‌شان متوقف کنند، کاری از پیش نخواهند برد. تجربه شخصی‌ام، مرا دربرابر تعریف و تمجید یا توهین افراد بی‌توجه کرده است. افراد باید ببینند در چه جایگاهی هستند و کارشان را انجام دهند.

● این حرف را از این بابت گفتم که نه‌تنها عکاسان، بلکه خیلی از هنرمندان دیگر رشته‌ها در بن‌بست موفقیت گیر می‌افتند.

همه غزل‌های حافظ هم در یک سطح نیست. یکی ضعیف است، یکی خوب است و... . اصلا این‌طور نیست که آدم بتواند دائم روی یک خط حرکت کند. اگر این‌طور بشود که من نباید تا آخر عمرم دست به دوربین بزنم. من صبح تا شب کار می‌کنم و اگر بخواهم به این چیزهای مثبت یا منفی فکر کنم، دیگر نمی‌توانم در مسیرم پیش بروم. گاه حرف‌هایی که از گوشه‌وکنار می‌شنویم، می‌تواند ما را تا مرز نابودی ببرد اما نباید بهشان اهمیت داد و فقط باید کار کرد.

● استناد به عکس و آن چیزی که می‌توان در عکس به‌عنوان واقعیت به آن تکیه کرد، تا چه اندازه قابلیت دست‌کاری دارد؟

عکاس اصلا اجازه ندارد به عکسش دست بزند. تاحدی که به اطلاعاتی که در عکس وجود دارد دست نخورد، اجازه دارد عکس را ویرایش کند، ولی هرگز اجازه ندارد در عکس دست ببرد و اطلاعات غلط به مخاطبش بدهد. اگر از اطلاعات عکس، کاسته یا بر آن افزوده بشود، عکس جعلی خواهد بود. برای این ویرایش‌ها قانونی وجود دارد و آن‌هم این است که می‌گویند هر کاری که عکاس در تاریک‌خانه با آگراندیسمان می‌تواند انجام دهد، همان را هم می‌تواند با نرم‌افزارهای دیگر انجام دهد؛ نه بیشتر و نه کمتر.

● مثل آن عکس معروف شما که برچسب جعلی بودن هم خورد؟

آن جریان و هجمه‌ای که علیه من راه افتاد، به‌خاطر انتشار اولیه عکس بود. در انتشار اولیه دو خبرگزاری بین‌المللی برای اولین‌بار عکسم را منتشر کردند. یکی از آن دو خبرگزاری در پانویس عکس، دود موجود در عکس را ناشی از گاز اشک‌آور بیان کرده بود و دیگری آن را نارنجک دودزا دانسته بود. از من هم نپرسیده بودند این دود چیست. همین هم موجب شد که فکر کنند در عکس دست برده شده است، درصورتی که خودم گفتم این دود از کپسول آتش‌نشانی است، وگرنه همه دنیا فکر می‌کردند گازاشک‌آور است.

● چه شد که ثابت کردید عکس مال شماست؟

زمانی که من آن مقاله را در اعتراض به سوءاستفاده آقای ترامپ از عکسم نوشتم، روزنامه نیویورک‌تایمز یک مقاله مفصل درباره من کار کرد. در آن مقاله مطرح شده بود: «باید مستنداتی ارائه کنید که عکاس این عکس شمایید.» این یک رویه است. عکاس باید هویت عکس را مشخص کند و این‌طور نیست که هرکس بگوید عکس مال من است، همه قبول کنند. من یک فریم، قبل و بعد آن فریم اصلی را ارائه کردم و آن‌ها هم هر سه عکس را در روزنامه‌شان منتشر کردند.

هنر شهری

اکران نمادهای عزاداری در شهر

به‌مناسبت اربعین و دهه آخر صفر، ۸۸المان در مشهد نصب شد

هنری| مدیرعامل سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده‌های کشاورزی شهرداری مشهد از جانمایی ۶۳المان شمس رضوان، ۱۵المان مخروطی و ۱۰المان هشت پرچم در مشهد به‌مناسبت اربعین و دهه آخر صفر خبر داد و گفت: طرح و رنگ المان‌های نصب‌شده نسبت‌به سال‌های گذشته، انسجام بهتری دارد و سعی شده است طرح‌ها با حال‌وهوای این ایام مناسبت داشته باشد. به‌گفته بهروز کیانی، آنچه به‌عنوان بخشی از میهمان‌نوازی مشهد مقدس از زائران به‌مناسبت دهه پایانی ماه صفر خودنمایی می‌کند، ایجاد چهره اربعینی این شهر است که در این زمینه، امسال نیز به‌رسم سال‌های گذشته، جانمایی و فضاسازی مناسب انجام شده است.

تماشاخانه

۳بخش رقابتی در جشنواره سوم

نشست هم‌اندیشی برخی هنرمندان تئاتر مشهد درباره برپایی جشنواره هنرهای شهری مشهد

خانه بهار ۹۹ برگزار شد

گروه هنر| چندی پیش خانه هنرمندان مشهد به‌منظور آسیب‌شناسی بخش هنرهای نمایشی در بهار ۹۸ و نیز برگزاری بهتر برنامه‌ها و بخش‌های مختلف این جشنواره در بهار۹۹، نشستی را با حضور برخی پیش‌کسوتان و هنرمندان هنرهای نمایشی مشهد برگزار کرد.

صدرا یوسفی، دبیر جشنواره هنرهای شهری مشهد، با اشاره به پیشینه این جشنواره شهری گفت: در دو سال گذشته جشنواره خانه بهار، تخصصی‌تر برگزار و از ظرفیت‌های متخصصان هنری در حوزه‌های گوناگون استفاده شده است.

به نظر او جدی‌ترین بخشی که در این دو سال به جشنواره خانه بهار کمک کرده، بخش هنرهای نمایشی بوده است؛ بر این اساس در جشنواره خانه بهار ۹۹ به نمایش خیابانی و محیطی توجه ویژه‌ای شده است.

همچنین سیدجواد اشکذری، دبیر هنرهای نمایشی سومین جشنواره هنرهای شهری مشهد، در این نشست مساعدت سازمان اجتماعی‌وفرهنگی شهرداری مشهد و دبیرخانه این جشنواره در بهار ۹۹ را از ملزومات پرداخت بهتر به موضوع هنرهای نمایشی دانست: «تفاوت امسال، رقابتی شدن ۳ بخش «صحنه‌ای»، «خیاباتی» و «عکس تئاتر» است. همچنین همه بخش‌های جشنواره مربوط به مشهد است و تنها بخش خیابانی به‌دلیل استفاده از فرهنگ و آداب و رسوم همه کشور، ملی است.»

● باید فضای مناسب برای فعالیت هنرمندان درنظر گرفته شود

محمدعلی لطفی، پیش‌کسوت تئاتر، نیز با بیان اینکه تئاتر مشهد ظرفیت خوبی دارد و باید فضای مناسب برای فعالیت هنرمندان درنظر گرفته شود، از شهرداری مشهد برای برگزاری جشنواره هنرهای نمایشی و فرصتی که برای دیده شدن هنرمندان تئاتر ایجاد کرده است، قدردانی کرد. محمد الهی، پیش‌کسوت و بازیگر تئاتر، نیز تداوم حمایت شهرداری مشهد از هنرهای شهری و هنرهای نمایشی را خواستار شد: «اجرای نمایش می‌تواند فضای بهتر و نشاط‌آورتری را در شهر فراهم کند.» سپس رضا حسینی، از پیش‌کسوتان تئاتر، درباره این جشنواره گفت: فراخوان هنرهای نمایشی سومین جشنواره هنرهای شهری مشهد یکی از فراخوان‌های کاملی است که تابه‌حال در این زمینه منتشر شده و ظرفیت‌های مشهد به‌خوبی در آن دیده شده است، همچنین در این دوره به موضوع آموزش که بسیار دارای اهمیت است، درقالب برگزاری کارگاه‌های آموزشی و علمی پرداخته شده است.

نمایش «گذشته سرخ» به کارگردانی ساناز سلطانی از امروز ۲۸مهر در سالن آمفی‌تئاتر فرهنگ‌سرای غدیر مشهد اجرا می‌شود. علاقه‌مندان برای تهیه بلیت این نمایش، می‌توانند به سایت مشهدگیشه مراجعه کنند.

«آشفته‌گی» جیرانی به اروپا رسید

درباره آخرین وضعیت فریدون جیرانی و اکران آخرین ساخته سینمایی‌اش

زندگی با سینما

زردکانلو| از هفته گذشته خبر بستری شدن فریدون جیرانی، همه هواداران این سینماگر سرشناس مشهدی و به‌دنبال آن، اهالی رسانه را نگران کرده بود. از همان ساعات نخستین انتشار این خبر، جویای احوال جیرانی بودیم و پس از پیگیری ازطریق فرزین جیرانی، برادر این کارگردان، متوجه شدیم که او دچار سکته مغزی شده اما خوشبختانه خطر رفع شده است و امروز از بیمارستان خاتم‌الانبیای تهران مرخص می‌شود، اما ویدیویی که هوشنگ گلمکانی، منتقد سینما، از مکالمه خود و جیرانی در صفحه اینستاگرامش منتشر کرد، هم نگرانی‌های ما را برطرف کرد و هم به آن دامن زد.

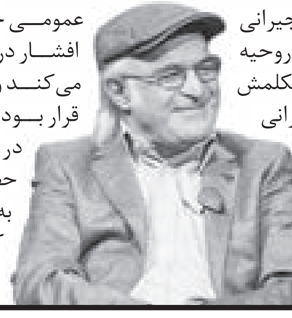

خوشبختانه فریدون جیرانی روی تخت بیمارستان روحیه بالایی داشت اما تکلمش گویی تکلم فریدون جیرانی «هفت» و «سی‌وپنج» و «کافه آپارات» نبود، با این حال یاشار جیرانی، فرزند فریدون جیرانی، در گفت‌وگو با رسانه‌ها، از کاهش عوارض سکته مغزی پدرش خبر داده است و درباره اخباری که از مشکل دست چپ جیرانی و همچنین تکلم او منتشر شده، گفته است: با کمی فیزیوتراپی و ادامه درمان در خارج از بیمارستان، عوارض برطرف می‌شود و پدر به‌زودی به عرصه سینما بازمی‌گردد.

● آشفتگی در صف اکران عمومی

خبر کسالت جیرانی در رسانه‌ها تنها مطلب منتشرشده درباره این سینماگر پرکار نبود و فیلم «آشفته‌گی» او که در سی‌وهفتمین جشنواره فجر به نمایش درآمد و هنوز در صف اکران عمومی در سینماهای کشور است، از امروز ۲۸مهر در اروپا اکران عمومی خود را با حضور مهناز افشار در اوسلوی نروژ آغاز می‌کند و فریدون جیرانی که قرار بود همراه با مهناز افشار در اکران‌های این فیلم حضور داشته باشد، به‌دلیل شرایط جسمانی کنونی‌اش از این سفر بازمانده است.

نگاهی به انواع نقد در کتاب «نقد سینمایی»

کتابخوان

نگار راد| نقد فیلم‌های سینمایی چندسالی است که میان علاقه‌مندان سینما چه آن‌ها که در این حوزه تخصص دارند، چه آن‌ها که تنها به دیدن فیلم‌های سینمایی علاقه‌مندند، داغ شده است. فضای مجازی نیز امکانی را دراختیار این افراد قرار داده است تا راحت‌تر دیدگاه‌های خودشان را درباره فیلم با دیگران به اشتراک بگذارند.

به این ترتیب کافی است هر هفته بعد از اکران فیلم‌های جدید یک جست‌وجوی کوتاه در اینترنت بکنید تا با انبوهی از نقدهای مختلف روبه‌رو شوید. این فضای باز هرچند که امکان انتشار نقد سینمایی را برای همه فراهم کرده، آسیب‌هایی نیز با خود به‌همراه داشته و نقدهای سینمایی را با سرعت بسیار به‌سمت غیرتخصصی بودن سوق داده است، از این‌رو ما در بخش معرفی کتاب، تصمیم گرفتیم علاقه‌مندان به این حوزه را با کتاب «نقد سینمایی» ژان میشل بیارد(فرودون)، استاد مورخ، منتقد و روزنامه‌نگار فرانسوی حوزه سینما آشنا کنیم. ژان میشل بیارد را معمولا با نام مستعار فرودون می‌شناسند؛ نامی که برگرفته از شخصیت فرودو در ارباب حلقه‌هاست. ژان میشل کارشناسی‌ارشد تاریخ دارد و در حوزه سینما در هفته‌نامه‌ها و روزنامه‌های معتبر روزنامه‌نگاری می کند و در دانشگاه‌های معتبری مثل پانتئون سوربون و موسسه مطالعاتی‌سیاسی پاریس نیز تدریس می کند.

ژان میشل، نویسنده و ویراستار بسیاری از کتاب‌های تاریخ سینمای فرانسه بوده است که از میان آن‌ها می‌توان به «سینما و هولوکاست»، «وودی‌آلن»، «هو شیائو-شین»، «روبر برسون»، «کریس مارکر»، «ادوارد یانگ»، «عاموس گیتای» و «الیویه آسایاس» اشاره کرد. باتوجه‌به سابقه این نویسنده در حوزه کتاب‌های تاریخ فرانسه، او در کتاب «نقد سینمایی» خود نیز علاوه‌بر پرداختن به تعاریف و تفکیک‌های نقد سینمایی، به نقاط عطف تاریخ سینمای فرانسه پرداخته و نمونه‌هایی از انواع نقد و متن‌های مرجع درزمینه نقد را هم آورده است. این کتاب را در ایران، انتشارات روزنه کار با ترجمه محمد بهرامی در ۱۲۴صفحه منتشر کرده است و علاقه‌مندان می‌توانند آن را با قیمت ۱۶هزار تومان از کتاب‌فروشی‌های معتبر و سایت‌های فروش آنلاین بخرند.

جدول فروش هفتگی سینماهای مشهد

رقابت نزدیک «ماجرای نیمروز: ردخون» و «مسخره‌باز»

میزان فروش براساس آمار ارائه شده در پنل گزارش‌گیری سینماشهر است

برای مشاهده جزئیات کامل فروش سینماهای مشهد در هفته گذشته این کد را اسکن کنید

scan it

ردیف	نام فیلم	جمع(ریال)
۱	ماجرای نیمروز:ردخون	۷۳۰/۴۶۰/۰۰۰
۲	مسخره‌باز	۶۲۶/۴۲۰/۰۰۰
۳	کلوپ همسران	۲۸۱/۵۳۰/۰۰۰
۴	سال دوم دانشکده من	۱۹۰/۸۳۰/۰۰۰
۵	درخونگاه	۱۷۷/۳۵۰/۰۰۰
۶	ایده‌اصلی	۱۰۴/۶۷۰/۰۰۰
۷	شبی که ماه کامل شد	۹۸/۷۲۰/۰۰۰
۸	مردی بدون سایه	۷۹/۲۵۰/۰۰۰
۹	نیوکاسل	۷۷/۶۳۰/۰۰۰
۱۰	شاه کش	۶۶/۷۳۰/۰۰۰

ردیف	نام فیلم	جمع(ریال)
۱۱	پیلوت	۶۱/۹۰۰/۰۰۰
۱۲	سرخپوست	۴۶/۸۷۰/۰۰۰
۱۳	قسم	۳۷/۱۱۰/۰۰۰
۱۴	تپلی و من	۲۱/۴۵۰/۰۰۰
۱۵	آبی به رنگ آسمان	۱۱/۲۸۰/۰۰۰
۱۶	ایکس لارج	۶/۲۶۰/۰۰۰
۱۷	قصر شیرین	۵/۹۷۰/۰۰۰
۱۸	شکستن همزمان بیست استخوان	۲/۰۲۰/۰۰۰
۱۹	کروکودیل	۱/۶۸۰/۰۰۰